

## بازخوانی جنبش اصلاح دینی از دیدگاه سیاسی

علی اکبر رضایی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۲۵ / ۰۲ / ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۵ / ۰۴ / ۱۴۰۰

### چکیده

در این مقاله به بررسی تأثیر قدرت‌های نوظهور در اروپا بر جنبش اصلاح دینی و این که دلیل این به راه انداختن جنبش اصلاح دینی توسط این قدرت‌ها حمایت همه‌جانبه پاپ به‌عنوان رهبران مسیحیان از دو امپراتوری اسپانیا و پرتغال و تقسیم جهان میان این دو امپراتوری بود و این که سایر قدرت‌های اروپایی توانایی ورود به صحنه‌ی جهانی را با وجود حمایت پاپ از این دو امپراتوری را نداشتند. پس از جنگ‌های مذهبی حاصل از جنبش اصلاح دینی، شاهد حضور سایر قدرت‌های جهانی در صحنه‌ی جهانی و حذف قدرت‌های مورد حمایت پاپ از صحنه‌ی جهانی بودیم. هدف از پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که میزان تأثیر قدرت‌های نوظهور اروپایی چه میزان بوده است. در این مقاله از روش توصیفی - تحلیلی برای مرور اطلاعات و دلایل به وجود آمدن این جنبش و موفقیت و عدم موفقیت آن در کشورهای گوناگون پرداخته شده و نتیجه تحقیقات به صورت بررسی تأثیر این جنبش بر صحنه‌ی سیاست جهانی و دین مسیحیت استخراج گردید.

**کلید واژه‌ها:** جنبش اصلاح دینی، مارتین لوتر، پروتستان، پاپ، انگلستان، کلیسای ملی.

**استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)**

رضایی، علی اکبر (۱۴۰۱). «بازخوانی جنبش اصلاح دینی از دیدگاه سیاسی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، صص ۸۰-۶۱.

<sup>۲</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علم سیاسی، دانشگاه بین-

المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران.

ایمیل: rezaei.yu@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک(اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را

بارگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

قبل از روی کار آمدن قدرت‌های اروپایی مانند انگلستان و فرانسه و تأسیس بزرگ‌ترین امپراتوری جهان توسط این دو کشور، جهان بین دو امپراتوری اسپانیا که قسمت غربی جهان را در دست گرفت و پرتغال که قسمت شرقی جهان را به کنترل خود درآورده بود؛ تقسیم شده بود. این تقسیم جهان توسط پاپ الکساندر ششم، طی یک پیمان، مشهور به «پیمان تردیساس» که به امضای فردیناند دوم و ایزابلای یکم از طرف اسپانیا و ژوا دوم از طرف پرتغال رسید جنبه‌ی رسمی پیدا کرد.

کشورهای انگلستان، فرانسه و هلند پس از آن که توانستند به نحوه ساخت کشتی‌های اقیانوس‌پیما دست پیدا کنند، خواستار این شدند که مانند اسپانیا و پرتغال برای خود مستعمراتی در جهان به دست آورند. بدین ترتیب قدرت‌های بالقوه‌ای در اروپا ظاهر شدند که خواستار ورود به صحنه‌ی جهانی بودند. این قدرت‌ها برای عرض اندام در صحنه‌ی جهانی با دو مشکل عمده دست‌به‌گریبان بودند:

### ۱. وحدت مذهبی اروپا

#### ۲. حمایت پاپ از امپراتوری‌های اسپانیا و پرتغال.

قدرت‌های جدید اروپایی برای غلبه بر این دو مشکل، به سراغ ریشه‌ی این دو مشکل، یعنی پاپ رفتند. از آنجایی که قدرت و فتوحات دو امپراتوری اسپانیا و پرتغال، حاصل حمایت پاپ از آن‌ها بود؛ و در صورتی که هر کدام از قدرت‌های بالقوه جدید اقدام به تصرف سرزمین‌های این دو امپراتوری می‌نمود، سرپیچی از فرمان پاپ تلقی می‌شد که در نتیجه پاپ می‌توانست بانفوذ خود و فتوای تکفیر، مسیحیان و فئودال‌ها را علیه آن‌ها بسیج نماید؛ چراکه پاپ‌ها دارای نفوذ بسیاری در میان فئودال‌ها بودند و فئودال‌های هر کشور حاضر بودند به پشتیبانی از پاپ علیه امپراتوران خود وارد جنگ شوند؛ در نتیجه، ابتدا باید قدرت پاپ را تضعیف می‌کردند و بدین ترتیب ناگهان مارتین لوتر<sup>۱</sup> ظهور کرد.

نهضت اصلاحات پروتستانی<sup>۲</sup> باهدف تضعیف نفوذ و قدرت پاپ در صحنه‌ی اروپا، پا به عرصه گذاشت. ظهور ملی‌گرایی دینی و سیاسی، ظهور کلیساهای ملی و دادن آزادی‌های مذهبی برای پیروان پروتستان و هم‌چنین تغییر بافت اجتماعی از فئودالیسم و اقتصاد زمین به بورژوازی و شهرنشینی و ظهور طبقه جدید و متوسط شهری (حدادی، ۱۳۹۵: ۳)، از جمله تغییراتی بود که برای تضعیف پاپ به اجرا درآمد.

<sup>1</sup>. Martin Luther

<sup>2</sup>. Reformation

## ۲. قرون وسطی

اصطلاح قرون وسطی را تاریخدان ایتالیایی فلاویو بیوندو<sup>۱</sup> در قرن پانزدهم برگزید. از نظر بیوندو و سایر تاریخ نویسان رنسانس، قرون وسطی یا دوران میانه دقیقاً یک دوره‌ی واسط در تاریخ جهان بود، چراکه بین دوران کلاسیک تمدن یونان و روم و رنسانی قرار داشت. مفهوم قرون وسطی هرگز تاریخ‌نگاری نبود و زائیده فکر انسان‌گرایان «رنسانس»<sup>۲</sup> نبود. بلکه با استعمار و از طریق استعمار به وجود آمد و درهم تنیده شد (Davis & Puett, 2015: 2). در سال ۳۱۳ م کنستانتین<sup>۳</sup> اول دین مسیحیت را قبول کرد و به‌عنوان دین رسمی امپراتوری روم اعلام نمود. در باب گرویدن کنستانتین به مسیحیت آورده‌اند:

«کنستانتین در سال ۳۱۲ م، هنگامی که مخالفینش در صدد پیروزی بر او بودند، در رؤیا صلیبی را دید و این عبارت را به زبان لاتین مشاهده کرد (با این علامت پیروز شو)» (کرنز، بی‌تا: ۱۳۶).

گرچه ممکن است کنستانتین واقعاً این رؤیا را دیده باشد، اما به احتمال قوی، نظر مساعد او نسبت به کلیسا، بر اساس مصلحت‌اندیشی بوده است؛ زیرا کلیسا می‌توانست کانون جدیدی برای ایجاد اتحاد و نجات امپراتوری و فرهنگ سنتی آن باشد. این واقعیت که او غسل تعمید خود را تا اندکی پیش از مرگ به تعویق انداخت و نیز حفظ عنوان «رهبر عالی مذهب بت‌پرستی دولت» می‌تواند شاهد این مدعا باشد. به‌علاوه، اعدام جوانانی که ظاهراً قصد غصب حکومت را داشتند، نمی‌تواند رفتار یک مسیحی صادق باشد. احتمالاً رفتار و سیاست او مبتنی بر آمیزه‌ای از خرافات و مصلحت‌اندیشی بوده است (همان، بی‌تا: ۱۳۶).

بدین ترتیب با رسمی شدن دین مسیحیت در امپراتوری روم دوران قرون وسطی<sup>۴</sup> که همانا مقدمه‌ی حاکمیت پاپ در صحنه‌ی سیاسی و اجتماعی بود، آغاز گردید. به دنبال قبول مسیحیت توسط پاپ، صدور فرمان میلان<sup>۵</sup> و اعطای آزادی و امنیت دینی به مسیحیان باعث گرویدن عده‌ی بیش‌تری به مسیحیت گردید و به‌مرور زمان بر عده‌ی افرادی که تابع دستورات پاپ بودند افزوده می‌شد. هرچند حاکمیت واقعی پاپ پس از یک مدت به‌صورت واقعی محقق گردید. دوران قرون وسطی را عمدتاً با دو مشخصه «حاکمیت مطلق پاپ» و «فئودال‌ها به‌عنوان بازوهای نظامی پاپ» می‌توان شناخت.

<sup>1</sup>. Flavio Biundo

<sup>2</sup>. Renaissance

<sup>3</sup>. Constantin

<sup>4</sup>. Middle Ages

<sup>5</sup>. Edict of Milan

## ۲-۱. حاکمیت مطلق پاپ

مسیحیت مسیری طولانی و پریپیچ‌وخم را در تاریخ خود طی کرده است. این آیین به‌عنوان یک فرقه اقلیت آغاز شد که دیدگاه‌های آن با دیدگاه‌هایی که در آن زمان از نظر سیاسی صحیح بودند در تضاد بود، اما در قرن‌های آخر امپراتوری روم به دین دولتی تبدیل شد (Arrunada, 2010: 4).

مانیفست اقتدار و حاکمیت پاپ در دوران قرون وسطی توسط آگوستین قدیس به نگارش درآمد. آگوستین قدیس در آغاز سده‌ی پنجم در شریعت‌نامه‌ی خود با عنوان «شهر خدا» به توضیح دو نظم الهی و انسانی پرداخت. آگوستین در توضیح این دو شهر آورد:

«شهر الهی که از آغاز آفرینش تا هبوط آدم بر روی زمین برقرار بوده، شهری ابدی و آسمان است، درحالی‌که شهر زمینی، انسانی و بنابراین، دستخوش کون و فساد است. تنها نخستین شهر، متأصل و قدیم است و در شهر زمینی در اتحاد جان‌های مردان خدا تحقق می‌یابد. مؤمنان مسیحی، هم‌زمان در دو شهر آسمانی و انسانی زندگی می‌کنند؛ آنان، از سویی، باید تابع اولی‌الامر دنیوی باشند و به‌فرمان او گردن بگذارند، زیرا وجود نظم انسانی شهر زمینی نیز ناشی از مشیت الهی است و از سوی دیگر، مؤمنان باید رفتار و اعمال خود را در این جهان با احکام شهر آسمانی که در حیات آخرت آن را استقرار خواهند بخشید، هماهنگ کنند. [...] با او خلطی میان مرجعیت روحانی و اقتدار سیاسی امپراتور در اندیشه‌ی سیاسی نخستین سده‌های دوره‌ی مسیحی تاریخ اروپا ایجاد شد که در تحول آئی آگوستینیسم سیاسی<sup>۱</sup> و نظریه ولایت مطلقه‌ی پاپ را به دنبال آورد. وی با نظریه دو شهر خود، نخستین گام مهم برای تدوین اندیشه‌ی سیاسی مسیحی را برداشت» (به نقل از طباطبایی، ۱۳۸۰: ۸ و ۹).

در دوره‌ی قرون وسطی، امپراتور به‌عنوان سخنگوی قدرت دنیوی با پاپ‌ها که نماینده‌ی قدرت آسمانی بودند، روبه‌رو بودند. کشمکش میان دو نیروی عظیم سیاست و روحانیت بود که مظهر شامخ آن دو نیرو، تاجداران امپراتوری مقدس و پاپ‌ها بودند. ادعای اولویت پاپ‌ها به دو دلیل بود؛ اول آن‌که بعد از سقوط امپراتوری روم قدیم به دست اقوام وحشی، فقط کلیسا و مسیحیت توانستند در حفظ فرهنگ باستانی و سنن و شعائر آن بکوشند. دوم تغییر مذهب شاهان اروپا موجب شد که همگی اتباع مذهبی کلیسا بشوند. ادعای اولویت کلیسا توسط بعضی پاپ‌ها موجب کنار گذاشتن اصل تفکیک قوا و ملزم کردن پادشاهان به اجرای اوامر مقامات روحانی شد (حدادی، ۱۳۹۵: ۱۱).

با قدرت گرفتن کلیسا و توسعه حوزه نفوذ آن در بخش وسیعی از اروپا در قرون وسطی، کم‌کم اندیشه و آموزه دو جنبه‌ی جسمانی - معنوی، از سوی هواداران نظریه سیاسی پاپ مطرح شد که بر اساس آن، کشیشان به جنبه معنوی وابسته‌اند و افراد عادی به جنبه جسمانی. در این صورت، با دو حوزه مستقل قدرت سروکار داریم؛ حوزه معنوی و حوزه دنیوی. در قرون وسطی کسی در اصل تفکیک حوزه قدرت سیاسی و قدرت دینی حرفی نداشت، اما بحث بر سر تعیین دقیق قلمرو

<sup>۱</sup>. *Augustinism Politico*

اختصاصی هر یک بود. برای مثال، تعیین کشیش یکی از موارد اختلافی بود، زیرا کشیش از یکسو، صاحب‌منصب و کارگزار کلیسا بود، ولی همو زمین‌دار و عضو شورای سلطنتی هم بود و اموال را مشروط به آن تحویل گرفته بود که به‌موقع نیاز، سربازان لازم را از میان مزدورانش بر روی زمین به قدرت سیاسی تحویل دهد و لذا صاحب‌منصب اداری و دفاعی نیز بود. مورد دیگر حق تکفیر بود که همه برای پاپ قائل بودند اما مشکل کار آنجا بود که پاپ می‌توانست شاه را هم متهم به خروج از دین و طرد کند که در این صورت دیگر لازم نبود مردم به او وفادار باشند و در این صورت عزل و کنار گذاشتن وی نیز امکان‌پذیر می‌شد. نکته‌ی دیگر آنکه هیچ‌یک از این مطالب به معنای اعطای مشروعیت دینی به قدرت سیاسی نبود. از سوی دیگر، کلیسای کاتولیک بر ثبات و همیشگی بودنش تأکید داشت و بدان افتخار می‌کرد و در بحران رابطه دولت و کلیسا و مخالفت با اتوریته‌ی<sup>۱</sup> پاپی، کلیسای کاتولیک معتقد بود که هرگونه تغییر و اصلاح ضروری در کلیسا باید از درون خودش شروع شود و مردم و حاکمان حق دخالت در کلیسا را ندارند و این خود یکی از دیوارهای سه‌گانه‌ای بود که لوتر می‌گفت باید تخریب شود(همان، ۱۳۹۵: ۱۱ و ۱۲).

در سده‌ی یازدهم همراه با انتخاب گرگوریوس<sup>۲</sup> هفتم به مقام پاپ تعارض کلیسا و حکومت شدت گرفت. گرگوریوس هفتم مدافع مداخله کلیسا در امور دینی و دنیوی هر دو بود. این تفکر در میان روحانیان مسیحی پیدا شد که درست است که امپراتوری به‌منزله‌ی جسم و کلیسا به‌منزله‌ی روح است و این دو مثل روح و جسم مکمل یکدیگرند؛ اما همان‌طور که روح بر جسم اشراف دارد، مقام روحانی نیز بر مقام دنیایی اشراف دارد. گرگوریوس هفتم در سال ۱۰۷۶ م. در شورای اسقفان به حاضران گفت که اگر امور آسمان‌ها در دست شما می‌توانید مقام امپراتوری را به هر کس که شایسته می‌دانید تفویض کنید (پولادی: ۱۳۹۲).

در اواخر قرون وسطی و به‌ویژه در آستانه‌ی اصلاحات، کلیسا نه‌تنها عرضه‌ی خدمات مذهبی را در انحصار خود گرفته بود، بلکه ارائه‌دهنده اصلی خدمات آموزشی، حقوقی، بوروکراتیک و رفاهی نیز بود. پاپ همچنین علاوه بر اینکه فرماندهی نیروهای نظامی قابل‌توجهی را بر عهده داشت؛ به‌خودی‌خود یک قدرت سیاسی را نیز تشکیل می‌داد و کلیساها مقامات سیاسی اصلی در سراسر اروپا بودند(Arrunada, 2010: 4).

بدین ترتیب اقتدار مطلق پاپ از حالت نظری به حالت عملی درآمد و پاپ‌ها توانستند هم بر قدرت الهی و هم بر قدرت زمینی تسلط یابند. از این زمان دیگر تمام امور سرزمین‌های اروپایی زیر نظر پاپ و نمایندگان وی اداره می‌شد و هیچ تصمیم مهمی نبود که پاپ در آن حرف آخر را نزند.

<sup>1</sup>. Authority

<sup>2</sup>. Gregory

## ۲-۲. فئودال‌ها به‌عنوان بازوهای نظامی پاپ

فئودالیسم<sup>۱</sup> از مهم‌ترین ارکان جامعه قرون‌وسطایی به‌حساب می‌آید، زیرا کلیسا و مسیحیت نیز بر اساس نظم فئودالی اداره می‌شد. فئودالیسم به‌عنوان زیرساخت مناسبات اقتصادی - اجتماعی قرون‌وسطی عامل گفتمانی و همبستگی جامعه بود و در چارچوب‌های فرهنگی - سیاسی و حتی مذهبی نیز طبق الگوهای فئودالیت تنظیم شده بود.

در حدود سال ۵۰۰ م، قدرتمندترین رئیس قبایل فرانکی<sup>۲</sup> کلوویس<sup>۳</sup> بود. کلوویس در سال ۴۹۶ م. به مسیحیت گروید و این به شکل‌گیری آینده‌ی سیاسی اروپا کمک کرد. کلوویس، با کمک سواره‌نظامش، تقریباً بر همه‌ی دیگر رؤسای قبایل فرانکی غلبه و آن‌ها و اتباعشان را مجبور کرد مسیحی شوند. کلوویس لقب لاتینی رگس<sup>۴</sup> یا پادشاه را اختیار کرد و خود را پادشاه فرانک‌ها خواند (لوی بیل، ۱۳۲۶: ۱۶). مسیحی شدن فرانک‌ها آن‌ها را به متحد کلیسای روم تبدیل کرد (همان، ۱۳۲۶: ۱۷). بدین ترتیب فرانک‌ها به بازوی نظامی پاپ در اروپا تبدیل شدند. بازوهای که در هر سرزمین و پادشاهی از فرامین و دستورات پاپ اطاعت می‌کردند. می‌توان گفت اگر فرانک‌ها با پاپ وارد اتحاد نشده بودند، هرگز دوران قرون‌وسطی، یعنی حاکمیت پاپ در اروپا، نمی‌توانست تا این حد طولانی شود و در برابر امپراتوران اروپا، از بین می‌رفت.

## ۳. اولین رویارویی یک امپراتور با پاپ

آن‌چه موجب گردید فکر تقابل و رویارویی با پاپ از سر امپراتوران اروپایی خارج شود حادثه‌ای بود که به «توبه کائوسا» مشهور است. این حادثه اقتدار و نفوذ پاپ را در اروپا برای همگان به نمایش گذاشت و قدرت و اقتدار مطلق پاپ را تثبیت نمود.

در سال ۱۰۷۵ م. پاپ بیانیه‌ای بر ضد رفع مناسب منتشر کرد. پاپ اعلام کرد تقسیم و تعیین مناسب کلیسا در حدود اختیارات پاپ هست و امپراتوران حق ندارند اسقف‌ها و کشیش‌ها را تعیین کنند؛ بنابراین هر اسقفی که انگشتر و عصای صلیب را که نشانه شغل اسقفی بود، از دست امپراتور بگیرد مورد تأیید پاپ نیست و تکفیر خواهد شد. پاپ گریگوار هفتم اضافه کرد در صورت مقاومت و ممانعت امپراتور، او را نیز تکفیر خواهد کرد؛ زیرا تمام کسانی که در کسوت روحانی هستند خدمه کلیسا می‌باشند.

1. Feudalism

2. Gens Franco

3. Clovis

4. Rex

بعد از مکاتباتی که میان هانری<sup>۱</sup> چهارم و پاپ رخ داد و بالاخره به فحاشی ختم شد، مقدمات جنگ نیز فراهم گردید. پاپ دست به تحریکاتی در میان فئودال‌های آلمان علیه امپراتور زد. درحالی که امپراتور صرفاً به قدرت نظامی خود می‌بالید، اما هانری قبل از این که به جنگ پاپ برود، اسیر جنگ با فئودال‌های امپراتوری خود شد. هانری برای حفظ تاج و تخت خود ناچار شد با پای پیاده به همراه خانواده خود به دیدار پاپ برود و عذرخواهی کند. این همان سالی است که در تاریخ قرون وسطی به «توبه کانوسا» شهرت پیدا کرد. هانری چهارم در پیشگاه پاپ اظهار ندامت و تعذر حقیرانه کرد و پاپ پس از گذشتن از خطاهای او، طی نامه‌ای از فئودال‌های آلمان خواست که بار دیگر او را به امپراتوری بپذیرند (سایت تاریخ ما؛ ۹ فروردین ۱۳۹۸).

بدین ترتیب چون امپراتوران، تجار و سرمایه‌داران فهمیدند که توانایی مقابله با پاپ را به دلیل وابستگی فئودال‌ها به پاپ و این که اعلام جنگ به پاپ موجب جنگ داخلی خواهد شد، در نتیجه تصمیم گرفتند سلطه‌ی واتیکان را از میان بردارند و به ایجاد کلیسای مستقل و مخصوص کشورهای خود روی بیاورند؛ که بتوانند آن را زیر نفوذ خود داشته باشند تا هم مطابق امیال امپراتوران و تجار فتوا صادر نمایند و هم وابستگی و تعلق مذهبی مردم به بیرون از مرزهای کشورشان نباشد، هم‌چنین بتوانند سهمی از سرزمین‌های اکتشافی که پاپ طی یک فتوا آن‌ها را میان پرتغال و اسپانیا تقسیم کرده بود داشته باشند.

بدین ترتیب شاهد ظهور اندیشه‌هایی بودیم که ماهیت و جوهر اساسی کلیسا و مسیحیت مورد تأیید پاپ را زیر سؤال می‌برد و خواستار تعدیل‌هایی بر ضد قدرت پاپ بودند. این اندیشه‌ها سرانجام توانستند به هدف خود دست یابند و با تأسیس مذهبی که نیاز به پاپ ندارد، یعنی پروتستان به هدف خود نیز نائل شود.

#### ۴. جنبش فکری اراسموس علیه پاپ

تعجب‌آور این است کسی که نبرد را علیه پاپ آغاز نمود، یکی از فرزندان فداکار کلیسا به نام دزی دریوس اراسموس<sup>۲</sup> بود. وی در سال ۱۵۰۰م. برای دیدن توماس مور<sup>۱</sup> به انگلستان رفت و مدت کوتاهی در آن جا ماند و در همان روزها کتاب کوچک خنده‌آوری به نام «در مدح دیوانگی» در تقبیح کشیشان نوشت. کتاب مزبور در قرن شانزدهم بیش‌تر از تمام کتاب‌های دیگر به فروش رفت و به چندین زبان ترجمه گردید؛ به گونه‌ای که توجه مردم را به سایر آثار نویسنده جلب نمود.

<sup>۱</sup>. Henry

<sup>۲</sup>. Desi Darius Erasmus

اراسموس در کتاب مزبور، اصلاح کلیسا را پیشنهاد و از همکاران خود درخواست می‌کرد که در اصلاح مذهب مسیح او را یاری نمایند (وان لون، ۱۳۳۴: ۱۸۱).

وی در رساله «در ستایش دیوانگی» خود، بسیاری از رسوم، عرف و دیدگاه‌های سنت را به‌نقد می‌کشد، زیرا به عقیده وی، تباهی چنان در ارکان مناسبات اجتماعی راه‌یافته است که باید «دیوانگی» را بنیان همه این مناسبات دانست و اگر چاشنی دیوانگی به آن مناسبات افزوده نمی‌شد، هیچ اجتماعی نمی‌توانست پایدار بماند. اراسموس مرد متین و بانصافی بود، ولی نتوانست کمکی به دشمنان جدی کلیسا نماید. آن‌ها احتیاج به پیشوایی قوی‌تر، خشن‌تر و تندتری داشتند. آن مرد به‌زودی پیدا شد و مارتین لوتر نام داشت (همان، ۱۳۳۴: ۱۸۱).

## ۵. قیام مارتین لوتر علیه پاپ

در حدود چهار سال پیش از آن که لوتر ایرادات خود را علیه کلیسا اعلام دارد، ماکیاولی<sup>۲</sup> پیشگویی شگفت‌انگیزی کرد. وی گفت:

«اگر دین مسیحیت را مطابق احکام بانی آن حفظ می‌کردند؛ جهان مسیحیت از نظر حکومت و اشتراک منافع، متحدتر و سعادتمندتر از این می‌بود. دلیلی بزرگ‌تر از این حقیقت برای فساد کلیسای روم نمی‌توان یافت که آنان که به آن نزدیک‌ترین فاسدترین؛ و هر کس اصولی را که مبنای این مذهب است بررسی می‌کند و اختلاف عظیم آن‌ها را با شعائر و آداب و اعمال فعلی می‌بیند، معتقد می‌شود که نابودی یا تنبیه آن نزدیک است» (دورانت، ۱۳۷۸: ۱۴ و ۱۵).

کار مارتین لوتر، به‌عنوان پیشرو نهضت پروتستان‌تیزم، در حقیقت کمرنگ کردن دین در زندگی اجتماعی مردم و کاهش قدرت کلیسا در اداره جامعه بود. دین از حالت اجتماعی (گرچه باطل) به حالت انفرادی درآمد. برداشت این بود که دین، مانع حرکت مردم است. نهضتی که توسط لوتر به راه افتاد به‌سرعت موردقبول مردم شمال و غرب اروپا واقع گردید. مردم می‌خواستند که از قیود سنگین کلیسا رها شوند، چون وضعیت در دوران هزارساله قرون وسطی که دوره تاریک<sup>۳</sup> نامیده‌اند، طوری بود که اگر همسایه کسی در محکمه، گواهی می‌داد که شیطان در جسد این فرد حلول کرده، همین کافی بود که او را بسوزانند تا شیطان از جسم او خارج شود. چنین توحشی بود و در چنین شرایطی معلوم است که مردم از این قید فرار کنند.

1. Thomas moor

2. Machiavelli

3. Dark age



## ۵-۱. بنیادهای رفورم دینی لوتر

بنیادهای رفورم لوتر به گونه‌ای تهیه شده بود که قدرت و نفوذ کلیسا و پاپ را در جامعه مسیحی آن زمان تضعیف نماید و به طور کلی مردم مسیحی را از پاپ و کلیسا بی‌نیاز نمود و نوعی ارتباط مستقیم بین انسان و خدا را بدون دخالت پاپ و کلیسا تبلیغ نمود. این بنیادها عبارتند از:

۱. خداوند همه بندگان خود را برابر آفریده و همه به یکسان به او نزدیک هستند، پس کشیشان یا روحانیون نمی‌توانستند مدعی شوند که به خداوند نزدیک هستند یا از طرف او نمایندگی دارند.

۲. ایمان دینی، حاصل پیوند روحانی و مستقیم میان خداوند و قلب انسان است. پس امری وجدانی و آزادانه است، یعنی اگر از روی جهل یا با فشار باشد، هیچ ارزشی ندارد.

۳. پیوند انسان با خداوند به طور مستقیم از راه درک کلام الهی انجام می‌گیرد که در کتاب مقدس منقول است و در دسترس همگان قرار دارد. این رابطه به میانجی یا واسطه نیاز ندارد، پس روحانیون حق ندارند خود را واسطه ارتباط بشر با خدا بدانند و این را امتیازی برای خود بشمارند.

۴. مهم‌ترین ماده‌ای که لوتر در اعلامیه‌ی ۹۵ ماده‌ای خود گنجانده و تلاش نموده بود با آن پاپ و کلیسا را تضعیف نماید، ماده‌ی ۵۲ اعلامیه که حمله به مهم‌ترین منبع درآمد کلیسا و مهم‌ترین حلقه‌ی اتصال مردم و کلیسا، یعنی فروش آمرزش نامه بود، می‌توان اشاره کرد. در ماده ۵۲ آمده بود:

«بیهوده است که با آمرزش نامه‌ها به امید رستگاری بود، حتی اگر توزیع‌کننده‌ی آمرزش نامه یا حتی پاپ روح خود را ضامن آن قرار دهد» (سامرویل، ۱۳۹۸: ۴۷).

رئیس وقت دانشگاه آکسفورد (۱۴۵۰ م) نیز شکایت کرد که:

«امروز گناهکاران می‌گویند من پروایی ندارم که در برابر خداوند چقدر کار زشت می‌کنم، زیرا با اعتراف و طلب آمرزش و خرید آمرزش نامه‌ی پاپ از تمام گناهان پاک می‌شوم» (سایت حوزه: ۸ مرداد ۱۳۹۸).

۵. لوتر هم‌چنین تعجب کرده بود از این که چرا پاپ برزخ را خالی نمی‌کند. هرچه باشد اگر او قدرتش را داشت که بعضی‌ها را آزاد کند، چرا این کار را برای همگان نمی‌کرد؟ موضوع بحث در ماده ۸۲ این بود:

«چرا پاپ برزخ را به خاطر عشق مقدس و نیاز مبرم ارواحی که آنجا هستند خالی نمی‌کند، درحالی که گناهان گروه بی‌شماری از ارواح را فقط به خاطر پول ناچیزی که با آن یکسان می‌سازند می‌بخشد» (سامرویل، ۱۳۹۸: ۴۷ و ۴۸).

۶. یکی از بدعت‌هایی که لوتر در کلیسا به جای گذاشت، خواندن سرودهای دسته‌جمعی بود. در این‌جا عشق نهانی لوتر به موسیقی جلوه‌گر شد. در کلیسای کاتولیک خواندن سرود، خاص کشیش و گروه سرودخوانان کلیسا بود. لوتر کتاب سرودی منتشر ساخت تا همه‌ی مردم بتوانند آن سرودها را بخوانند. در این کتاب، بیست‌وسه سرود مذهبی وجود داشت که سراینده آن‌ها خود لوتر بود. آلمانی‌ها همیشه دوستدار موسیقی و سرود بودند و هنوز هم در کلیساهایشان سرود می‌خوانند. کشیشی که از لوتر نفرت داشت، درباره‌ی سرودهای او گفت:

«سرودهای لوتر، بیش از سخنرانی‌هایش، روح مردمان را کشت» (فاسدیک، ۱۳۵۲: ۱۰۷).

## ۵-۲. قیام لوتر و حمایت شاهزادگان

لوتر ابتدا از سوی کلیسا تکفیر شد ولی تکفیر نامه‌اش را آتش زد. پاپ نیرویی فرستاد تا او را دستگیر کنند، اما مقاومت کرد و حاکم ایالت ساکسونی و عده‌ای از شاهزادگان آلمانی به دفاع و حمایت از او برخاستند چراکه شاهزادگان آلمانی پیش‌ازین جریان به خروج پول از کشور شدیداً معترض بودند. اتفاقاً این همان نکته‌ای است که ظن قریب به اطمینان انسان را برمی‌انگیزد تا این احتمال و تحلیل را تقویت کند که مارتین لوتر و نهضت اصلاح دینی‌اش، بازپچه دست گروهی سرمایه‌دار واقع شده بود و برای مسیحیان چیزی به ارمغان نیاورد (سایت حوزه: ۳ آذر ۱۳۸۸).

ظن فوق، آنگاه بیش‌ازحد قوت می‌گیرد که می‌بینیم پس از امداد شاهزادگان آلمانی به لوتر، او فتوا داد که لازم نیست کلیسا، تزئینات و ملک و موقوفات داشته باشد. این فتوا موجب شد شاهزاده‌ها اموال کلیسا را تصرف کنند (همان: ۳ آذر ۱۳۸۸).

علاوه بر این زمانی که دهقانان علیه شاهزادگان قیام نمودند نیز، لوتر جانب شاهزادگان را گرفت. در جنگ ۱۵۲۵م. دهقانان، لوتر استدلال کرد که اربابان فئودال برای فرونشاندن شورش دهقانان از هر حقی، از جمله اعمال خشونت به هنگام نیاز برخوردارند.

روستائیان، خاصه کشاورزان و دهقانان مردم بینوایی بودند. از هر طرف به آن‌ها ظلم، ستم و بی‌عدالتی می‌شد. آن‌ها می‌خواستند که همه‌چیز، از کلیسا گرفته تا رفتار روزانه‌ای که با آن‌ها می‌شد، دگرگون شود. لوتر در آغاز از آن‌ها هواداری کرد و شاهزادگان را بر آن داشت که به درخواست‌های آنان به نظر التفات بنگرند؛ اما چون شاهزادگان نپذیرفتند و خواستند با زور آن‌ها را به‌جای خود بنشانند، دهقانان خشمناک‌تر شدند، سرانجام از اطاعت سرباز زدند و جنگ خونینی به راه انداختند. قلعه‌ها و دیرها را سوزاندند، مخالفان خود را کشتند. تنها در یک منطقه‌ی آلمانی نشین، یعنی در فرانکونیا<sup>۱</sup>، دویست و هفتاد قلعه و پنجاه‌ودو راهبه‌خانه و دیر را آتش زدند. لوتر از این بلوا و شورش

<sup>۱</sup>. Franconia

سخت هراسان و وحشت‌زده شد. وی گفت: «چون سگ‌ها می‌دزدند و می‌درند.» از این گذشته، زبان دشمنان در حق او دراز شد؛ تمام این‌ها را گناه او می‌دانستند. از این‌رو، لوتر چاره‌ای ندید جز آن-که شاهزادگان را بر آن دارد که بازوی انقلاب دهقانان را در هم بشکنند. وی رساله‌ی نفرت‌باری نوشت و همه را به قتل‌عام دهقانان برانگیخت. در این رساله، چنین نوشته بود:

«... بنابراین، هر که از دستش برمی‌آید، پنهان و آشکار از این سگان درنده، به هر وسیله‌ای که می‌تواند بکشد، زیرا هیچ چیز در جهان ویران‌کننده‌تر و زیان‌بارتر یا اهریمنی‌تر از انقلاب نیست. انقلاب به سگ‌ها می‌ماند. اگر آن را نکشی، خفه نکنی، او بر تو خواهد پرید و دنیایی را به هلاکت خواهد کشید» (به نقل از فاسدیک، ۱۳۵۲: ۱۰۱-۹۹).

### ۵-۳. تأثیر قیام مارتین لوتر در اروپا

قیام مارتین لوتر که با حمایت پادشاهان و شاهزاده‌ها علیه پاپ به‌وجود آمد، در سرزمین‌های مختلف اروپا دارای پیامدها و آثار مختلفی بود. به هر میزان که سرزمینی دارای انسجام و یکپارچگی بیشتری بود قیام پروتستان در آن کشور به پیروزی رسید و حاکمیت پاپ در آن سرزمین برچیده شد. در سرزمین‌هایی نیز که دارای انسجام کافی نبوده و یا شاه آن کشور دارای نفوذ کافی بر سرزمین‌های تحت تسلط خود را نداشت نیز، این قیام یا شکست خورد یا به‌صورت آزادی‌های مذهبی به پروتستان جلوه‌گر شد.

#### ۵-۳-۱. تأثیر قیام مارتین لوتر در آلمان

در آلمان مهم‌ترین موضوع برای آینده ملت آلمان این بود که آیا آلمانی‌ها موفق می‌شوند از حکومت پاپ جدا شوند، بدون این‌که دولت و فرهنگ آلمان را به خطر بیندازد. تقریباً دو سال بعد، در سال ۱۵۲۳م، تاریخ به طرز وحشیانه‌ای این امید را برای بازسازی ملی از بین برد. رانکه می‌نویسد:

«پیش از آن‌که بتوان هر نوع قانون اساسی جدید به معنای پروتستانی را تصور کرد، ما شاهد ظهور یک سازمان مخالف به نفع قدرت کاتولیک هستیم که مهم‌ترین اهمیت را برای سرنوشت کشور ما داشته است.»

بعد از آن، مقاومت کاتولیک‌ها که پشت آن روم ایستاده بود، مانع از انجام اصلاحات به‌عنوان یک وظیفه‌ی ملی شد و در نتیجه آلمان‌ها را از اتحاد ملی در هر دو مفهوم سیاسی و مذهبی محروم کرد (Brady, 2009: 15).

هرج و مرج سراسر آلمان را فراگرفت. چند نفر از شاهزادگان پروتستان شدند و کاتولیک‌ها را مورد اذیت قرار دادند. دیگران کاتولیک ماندند و پروتستان‌ها را به دار زدند. برای حل این اختلافات

باریک دیت<sup>۱</sup> ناحیه<sup>۲</sup> تشکیل جلسه داد و اعلان نمود که رعایای هر ناحیه تابع کلیسای خواهد بود که شاهدگان حاکم آن ناحیه تابع آن هست. بدین ترتیب آزادی مذهبی در آلمان حاکم شد (وان لون، ۱۳۳۴: ۱۸۵-۱۸۴).

پیروزی پروتستان در آلمان بهترین اتفاق برای توسعه ملی آلمان بود، اما این اتفاق نیفتاد و شکست اصلاحات در آلمان، موجب شد، آلمان نتواند یک قدرت اروپایی شود و در درون مرزهای خود بماند. علاوه بر این شکست اصلاحات پروتستانی موجب تقسیم و آسیب‌پذیری آلمان در برابر دشمنان خارجی خود، برای ۳۰۰ سال آینده گردید (Brady, 2009: 15).

### ۵-۳-۲. تأثیر قیام لوتر در انگلستان

اصلاح دینی در انگلستان در زمان هنری هشتم بود. هنری هشتم پادشاه انگلستان تصمیم به طلاق همسر خود و ازدواج مجدد گرفت، ولی پاپ این عمل را تأیید نکرد. در مقابل، پادشاه، کلیسای انگلستان را از حاکمیت پاپ خارج ساخت و آن را مستقل کرد. در سال ۱۵۳۴م. هنری هشتم خود را پاپ انگلستان و «عالی‌ترین مرجع رهبری کلیسای انگلستان بر روی زمین» اعلام کرد؛ اما هنری با وجود منسوخ کردن مرجعیت پاپ، بسیاری از تعالیم کاتولیکی را در کلیسای انگلستان حفظ کرد و این کلیسا در قرن شانزدهم یک کلیسای «انگلو- کاتولیک»<sup>۳</sup> محسوب می- شد (نجات‌نیا و قنبری، ۱۳۹۲: ۱۰).

از جمله اقدامات هنری هشتم برای قطع ارتباط با پاپ می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. به کشیش‌ها دستور داده شد که چون آن‌ها نیز مانند کاردینال ولزی<sup>۴</sup> قانون «عدم صلاحیت پارلمان در مورد رسیدگی به مسائل قضایی انگلستان» نقض نموده‌اند، محکوم به پرداخت جریمه‌ای بالغ بر دو میلیون لیره می‌باشند.

۲. اعطای عنوان «حامی و رئیس کلیسا» به شاه.

۳. متوقف کردن پرداخت عواید سالیانه به پاپ.

۴. تصویب قانون منع درخواست پژوهش از کلیسای روم در پارلمان انگلستان.

۵. تصویب قانون سروری در پارلمان انگلستان که به موجب این قانون، شاه سرور و ریاست عالی کلیسا به‌شمار می‌آمد و کلیه‌ی محاکم قضایی کشور را هم از کلیسای تا دادگستری نیز ریاست داشته و هم‌چنین، حق تشخیص صحت و سقم احکام مذهبی را داشت (موروا، ۱۳۶۶: ۲۲۵).

1. Diet

2. Spire

3. Anglo-Catholic

4. Wales

در سال ۱۵۴۹ م نخستین کتاب دعای دوران زمامداری پادشاه ادوارد منتشر گردید. این کتاب بر اساس اصول آیین پروتستان و به زبان انگلیسی با دقت فراوان به گونه‌ای تدوین شده بود که تا حد امکان موجب آزردهی خاطر کاتولیک‌های رومی نگردد. در سال ۱۵۵۲ م. دومین کتاب دعای دوران زمامداری پادشاه ادوارد منتشر شد. این کتاب دعا به شکلی صریح و بدون هیچ ملاحظه‌ای بر اساس اصول آیین پروتستان تدوین شده بود. سرانجام جنبش اصلاح دینی در انگلستان منجر به شکل‌گیری انگلیکانیسم شد که شاخه‌ای خاص از پروتستانیزم محسوب می‌شود که در مقایسه با کلیساهای اصلاح‌شده یا کالوینیستی و حتی کلیساهای لوتری پذیرش بیشتری نسبت به تعالیم کاتولیک دارد و با تسامح بیشتری با این تعالیم برخورد می‌کند. کلیسای اسکاتلند در مقابل کلیساهای اصلاح‌شده و مشایخی تبدیل شدند و سرسختانه بر مواضع الهیاتی خود پافشاری کردند. تلاش‌های به‌عمل آمده از سوی کلیسای انگلستان برای تحمیل اسقف‌هایی به این کلیساها یا تحمیل «کتاب دعای جمعی» تنها موجب تقویت اعتقادات مشایخی و کالونیستی کلیساهای اسکاتلند شد. در این مذهبی نسبت به سایر شاخه‌های پروتستان با تسامح بیشتری با مذهب کاتولیک برخورد می‌شود. کلیسای انگلستان به وجود آمد که در آن عالی‌ترین مقام دینی، سراسقف بود، از آن پس کلیسای انگلستان مذهب ملی انگلیس شد و تحت نظارت پادشاه قرار گرفت (نجات‌نیا و قنبری، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۰).

#### ۵-۳-۳. تأثیر قیام لوتر در فرانسه

تأثیر جنبش اصلاح دینی در فرانسه، در دوره شارل هفتم نمایان شد. در دوره‌ی سلطنت شارل هفتم به تدریج زبان فرانسه، از زبان لاتین در اسناد تشکیلات اداری پیشی گرفت. شارل هفتم کلیسای فرانسه را تشویق به بیان آزادی خود و رهایی از تعدی‌های مقام پاپ نمود. بدین ترتیب، جنبش گالیکانیسم<sup>۱</sup> شکل گرفت. گالیکانیسم مکتبی مذهبی - سیاسی بود که در صدد سازمان‌دهی کلیسای کاتولیک فرانسه و حفظ استقلال آن از روم برآمد. این جنبش برتری روحانی و قضایی پاپ را به رسمیت می‌شناخت اما خواستار جلوگیری از هرگونه دخالت پاپ در امور کلیسای فرانسه بود. در نتیجه، تصمیم شورای اسقف‌های فرانسه به تصمیم پاپ ارجحیت داشت (ریویو، ۱۳۹۰: ۱۹۸)، هم-چنین در سال ۱۵۹۸ م. هانری نواور فرمان نانت، مبنی بر آزادی مذهبی در فرانسه را صادر کرد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱).

بزرگ‌ترین دستاورد پروتستانیزم در فرانسه را می‌توان، پذیرش و نهادینه شدن تکثرگرایی دینی دانست که بدون آن جدایی دولت از مذهب و کلیساها در این کشور امکان‌پذیر نبود. این دستاورد بزرگ پروتستانیزم به فرانسه امکان داد که به خشونت جنگ‌های طولانی مدت مذهبی پایان دهد؛ و در تاریخ پرفرازونشیب این کشور راه همزیستی با دیگر ادیان و مذاهب را هموار سازد.

<sup>۱</sup>. Gallicanism

## ۶. معاهدات وستفالی

معاهدات وستفالی<sup>۱</sup> را می‌توان آخرین تیر بر پیکر حاکمیت مذهبی - سیاسی پاپ در اروپا دانست. معاهدات وستفالی عبارت بود از دو معاهده‌ی «مونستر»<sup>۲</sup> و «اوسنابروک»<sup>۳</sup> که در پایان جنگ‌های سی‌ساله مذهبی در منطقه وستفالی آلمان به امضاء رسید. جنگ‌های سی‌ساله مذهبی موجب انتقال قدرت، از اسپانیا و پرتغال به انگلستان و هلند گردید. بدین ترتیب سلطه‌ی انحصاری دو امپراتوری اسپانیا و پرتغال که پاپ جهان را بین آن‌ها تقسیم کرده بود، پایان یافت.

اما مهم‌ترین پیامد معاهدات وستفالی، به وجود آمدن دولت - ملت‌های جدید بود. این اتفاق مدیون قیام مارتین لوتر بود که توانست با اصلاحات خود، تزلزلی اساسی در بنیان‌های دینی متداول مسیحیت که بر جانشینی پاپ به‌جای مسیح استوار بود، به وجود آورد. لازمه‌ی به وجود آمدن دولت-ملت مستقل، اعلام استقلال مذهبی آن دولت-ملت از کلیسای روم و پاپ بود. به‌بیان‌دیگر، به وجود آمدن دولت-ملت‌ها به معنی استقلال مذهبی سرزمین‌ها در آن دوره بود؛ چراکه از زمان دولتی شدن دین مسیحیت، مردم اروپا هویت خود را با مسیحیت می‌شناختند و به‌وجود آمدن کلیساهای ملی، به‌معنی هویت مستقل و جداگانه که مهم‌ترین اصل در به‌وجود آمدن یک دولت-ملت واقعی بود، تلقی می‌گردید. بدین ترتیب دولت‌های جدید تحت سلطه‌ی کلیسای روم نبودند و آزادانه به اجرای سیاست‌های خود که همانا جنگ‌اندازی به سایر سرزمین‌ها و تصرف قلمروهای دو امپراتوری تحت حمایت پاپ، یعنی اسپانیا و پرتغال بود، پرداختند. از این زمان به بعد، جهان شاهد به وجود آمدن امپراتوری‌های استعماری اروپایی جدیدی بود که سرآمدان آن، دو کشور انگلستان و فرانسه بودند.

## ۷. نتیجه‌گیری

جنبش اصلاح دینی برخلاف آن‌چه تصور می‌شود، یک جنبش مذهبی برای احیای دین و جلوگیری از سوءاستفاده از دین مسیحیت توسط کشیشان و پاپ نبود، بلکه خود یک جنبش سیاسی علیه پاپ و حاکمیت مطلقه‌ی آن بود. حاکمیت مطلقه‌ی آن بود که موجب می‌شد هیچ‌یک از پادشاهی‌های نوظهور آن زمان نتوانند علیه تقسیم جهان میان دو امپراتوری اسپانیا و پرتغال که توسط پاپ انجام گرفته بود اقدامی نمایند. بدین ترتیب این قدرت‌های نوظهور درصدد تضعیف موقعیت و نفوذ پاپ برآمدند.

1. *Westphalian Treaties*

2. *Munster*

3. *Osnabruk*

تأثیر این جنبش در اروپا در کشورها و مناطق گوناگون متفاوت بود، یعنی در مناطقی که پادشاهان آن مخالف پاپ بودند و خواستار حضور قدرتمند در صحنه‌ی جهانی، این جنبش با موفقیت همراه گردید؛ اما در مناطقی که خواستار حضور در صحنه‌ی جهانی نبودند و پادشاه آن قدرت لازم برای جنگ در مقابل پاپ و هوادارانش را نداشت، این جنبش نتوانست موفقیت چندانی کسب نماید.

این جنبش هم‌چنین موجب متولد شدن دولت-ملت‌ها در صحنه‌ی جهانی گردید. پیش‌از این جنبش تفاوت مردم مختلف را مذهب آن‌ها مشخص می‌نمود. ولی پس از جنگ‌های مذهبی، دولت-ملت‌ها در صحنه‌ی سیاسی به وجود آمدند و این واحدهای سیاسی، اقدام به تأسیس کلیساهای ملی نمودند. کلیساهایی که تفاوت اساسی آن‌ها با کلیسای کاتولیک نداشتن پاپ بود. بدین ترتیب مواضع آن‌ها طبق منافع آن‌ها تنظیم می‌شد و در این راه کلیساهای ملی نیز که خود زیر نظر دولت-ملت‌ها فعالیت می‌کردند از اقدامات دولت‌ها حمایت می‌کردند. بدین ترتیب دیگر پادشاهان از کلیسا اطاعت نمی‌کردند، بلکه این کلیساهای ملی بودند که از پادشاهان اطاعت می‌کردند.



## منابع

- پولادی، کمال (۱۳۹۲). «مدافعان نظم الهی»، *راسخون*, [WWW.rasekhoon.net](http://WWW.rasekhoon.net).
- تاریخ ما (۱۳۹۸). «تقابل امپراتوران و پاپ‌ها در قرون وسطی»، [WWW.tarikhema.org](http://WWW.tarikhema.org).
- حدادی، بهروز (۱۳۹۵). «دین و دولت در اندیشه مارتین لوتر»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه ادیان*، شماره ۱۹.
- حوزه (۱۳۸۸)، «قدرت و عصمت پاپ از دیدگاه مسیحیت»، [WWW.Hawzanews.com](http://WWW.Hawzanews.com).
- حوزه (۱۳۹۸)، «عوامل دینی، اجتماعی و سیاسی پیدایش نهضت پروتستان»، [WWW.Hawzanews.com](http://WWW.Hawzanews.com).
- دورانت، ویل (۱۳۷۸). *تاریخ تمدن*. ترجمه اسماعیل دولت شاهی، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- ریویر، دانیل (۱۳۹۰). *تاریخ فرانسه: از آغاز تا رنسانس*. ترجمه شهناز سلامی، تهران: اطلاعات.
- سامرویل، باربارا ای (۱۳۹۶). *مارتین لوتر*. ترجمه رضا علیزاده، تهران: ققنوس.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۰). *مفهوم ولایت مطلقه در اندیشه سیاسی سده‌های میانه*. تهران: نگاه معاصر.
- فاسدیک، هری امرسون (۱۳۷۱). *مارتین لوتر: اصلاح‌گر کلیسا*. ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- کرنز، ارل ای (بی‌تا). *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ*. ترجمه آرمان رشدی، ایلام: انتشارات ایلام.
- لوی بیل، تیموتی (۱۳۸۴). *عصر فتودالیسم*. ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- مورا، آندره (۱۳۶۶). *تاریخ انگلستان*. ترجمه عنایت‌الله شکیبایی پور، تهران: جمهوری.
- نجات‌نیا، منصوره؛ قنبری، بخشعلی (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل ریشه‌ها و زمینه‌های تاریخی مذهب آنگلیکن»، *فصلنامه معرفت ادیان*، شماره ۳.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۳). «بازخوانی نظم برخاسته از معاهدات وستفالی»، *فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۵.
- وان لون، هاندریک (۱۳۳۴). *تاریخ بشر*. ترجمه علی اکبر بامداد، تهران: امیر کبیر.

*Arrunada, Benito (2010), Protestants and Catholics: Similsr Work Ethic, Different Social Ethic, The Economic Journal.*

*Brady, Thomas A (2009), The Protestant Reformation in German History, German Historical Institute Washington.*

*Davis, Kathleen, Puett, Michael (2015), Periodization and the Medieval Globe A conversation, ARC Medieval press.*



Research Article

**Reading the Religious Reform Movement from a Political point of view  
Ali Akbar Rezaei<sup>1</sup>**

Date of received: 2022/05/15

Date of Accept: 2022/07/06

**Abstract**

In this article, the influence of the emerging powers in Europe on the religious reform movement is investigated and the reason for the initiation of the religious reform movement by these powers is the all-round support of the Pope as Christian leaders to the two empires of Spain and Portugal and the division of the world between them. There were two empires and that other European powers did not have the ability to enter the world stage despite the Pope's support for these two empires. After the religious wars resulting from the religious reform movement, we witnessed the presence of other world powers on the world stage and the removal of the powers supported by the Pope from the world stage. The aim of the current research is to investigate the extent of the influence of emerging European powers. In this research, a descriptive-analytical method was used to review the information and reasons for the emergence of this movement and its success and failure in various countries, and the result of the research was extracted as an examination of the influence of this movement on the scene of global politics and Christianity.

**Keywords:** religious reform movement, Martin Luther, Protestantism, Pope, England, National Church.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Rezaei, Ali Akbar (2022). "Reading the Religious Reform Movement from a Political point of view". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 5, Num. 2, S.No. 18, pp. 61 - 80.

---

<sup>1</sup>. Master of International Relations, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran.

Email: rezaei.yu@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

## References

- Arrunada, Benito (2010), *Protestants and Catholics: Similsr Work Ethic, Different Social Ethic, The Economic Journal*.
- Brady, Thomas A (2009), *The Protestant Reformation in German History, German Historical Institute Washington*.
- Davis, Kathleen, Puett, Michael (2015), *Periodization and the Medieval Globe A conversation, ARC Medieval press*.
- Durant, Will (1378). *History of civilization*. Translated by Esmail Dolat Shahi, Tehran: Scientific and Cultural Publishing.
- Fosdic, Harry Emerson (1371). *Martin Luther: reformer of the church*. Translated by Fereydoun Badrei, Tehran: Islamic Revolution Publications and Education.
- Haddadi, Behrouz (2015). "Religion and the state in the thought of Martin Luther", *two-quarterly scientific-research journal of the Research Journal of Religions*, No. 19. (in Persian)
- Hawza (2008), "The power and infallibility of the Pope from the point of view of Christianity", *WWW.Hawzanews.com* (in Persian)
- Hawza (2018), "Religious, social and political factors of the emergence of the Protestant movement", *WWW.Hawzanews.com* (in Persian)
- Kearns, Earl E. (Beta), *A History of Christianity Through History*. Translated by Arman Rushdi, Ilam: Ilam Publications.
- Levy Bill, Timothy (2004). *The age of feudalism*. Translated by Mehdi Haqiratkhah, Tehran: Qaqnos.
- Mora, Andre (1366). *History of England*. Translated by Enayatullah Shakibaeipour, Tehran: Jumhoori.
- Naqibzadeh, Ahmed (2004). "Rereading the order arising from the Westphalian treaties", *Quarterly Journal of the Faculty of Law and Political Science*, No. 65. (in Persian)
- Nejat Nia, Mansoura; Ghanbari, Bakhshali (2012). "Investigation and analysis of the roots and historical contexts of the Anglican religion", *Marafet Adyan Quarterly*, No. 3. (in Persian)
- Our history (2018). "Confrontation between emperors and popes in the Middle Ages", *WWW.tarikhema.org/ancient/rum* (in Persian)
- Poladi, Kamal (2012). "Defenders of Divine Order", *Rasekhood*, *WWW.rasekhood.net/article/show/759530* (in Persian)
- Riviere, Daniel (2010). *History of France: From the Beginning to the Renaissance*. Translated by Shahnaz Salami, Tehran: Information.

Somerville, Barbara E. (2016). *Martin Luther*. Translated by Reza Alizadeh, Tehran: *Qaqnos*.

Tabatabai, Javad (1380). *The concept of absolute sovereignty in the political thought of the middle centuries*. Tehran: *Contemporary view*. (in Persian)

Van Loon, Hendrik (1334). *human history* Translated by Ali Akbar Bammad, Tehran: *Amir Kabir*.



شوش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله جامع علوم انسانی